

اطلاعیه شماره 16

کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری

مؤثرترین راه ضربه زدن به یک حقیقت، بیان نیمی از حقیقت و مخدوش کردن نیمه‌ی دیگر است!

ماهیت بوروکرات مزورانه‌ی تلویزیون برابری و آرش کمانگر

هدف این کمیسیون در دادن اطلاعیه به بیرون، همیشه نه برای به اصطلاح خراب کردن کسی یا جریانی، بلکه به منظور روشن کردن حقایق بوده است. در بعضی از مواقع، ما با «ضد حقیقت» یا «ضد واقعیت»ی روبرو می‌شویم که ریشه در ماهیت طبقاتی و ایدئولوژیکی افراد و سازمان‌های آن‌ها دارد و آن اغلب زمانی است که آن‌ها می‌کوشند با استفاده از الفاظ تازه که مفهوم صادقانه یا انقلابی دارد، امیال و اهداف مزورانه خود را بخورد نیروهای مترقی و انقلابی بدهند، ظاهر می‌گردد. واضح است که هدف گفتن نیمی از حقیقت و مخدوش کردن نیمه دیگر، به گنجی کشیدن و سردرگم کردن نیروهای موجود در طبقه‌ی کارگر است که پتانسیل انقلابی دارند.

نمونه این مورد، تلویزیون برابری در مصاحبه آرش کمانگر با حسن حسام در تاریخ 5 اکتبر 2021 است. در نوار از دقیقه 31:30 تا دقیقه 32/30 می‌شنویم که آرش کمانگر بدون هیچگونه مدرکی و صرفاً به طور به اصطلاح

گذرا سعی می‌کند موضوعی را به تروتسکی نسبت دهد که به هیچ وجه درست نیست و در هیچ جایی از طرف هیچکس نیامده: آرش کمانگر مدعی است که: «بعد از پیروزی انقلاب اکتبر، تروتسکی یک پیشنهاد آورد که الآن دیگر حکومت کارگری تشکیل شده، دیگر اتحادیه‌ها مستقل معنا ندارد. که همانجا لنین و سایر بلشویک‌ها در مقابلش ایستادند» جالب اینجاست که عنوان این برنامه «با پرهیز از تخریب و نفی، تنوع تشکل و سازماندهی را در جنبش کارگری برسمیت بشناسم» است. ما به این می‌گوییم، نیمی از حقیقت و نیم دیگر کذب. زیرا این عنوان بسیار خوب و انقلابی است در حالی که همزمان نسبتی که آرش کمانگر به تروتسکی می‌دهد کذب محض است.

قبل و بعد از انقلاب اکتبر 1917، اختلافات زیادی بین نظرات لنین و تروتسکی پیش آمد و همان طور که تاریخ نشان داد، این اختلافات یکی پس از دیگری حل شد. شخص تروتسکی به ویژه در کتاب «زندگی من» و نیز در «انقلابی که به آن خیانت شد» به تمام اشتباهات خود، اشاره کرده است. شخص لنین هم در مواردی که با تروتسکی اختلاف داشته در نوشته‌هایش اشاره کرده و دلیل مخالفتش را با تروتسکی توضیح داده است. اما ما در هیچ مأخذی پیدا نکردیم که تروتسکی پیشنهاد ملغای شدن اتحادیه‌های کارگری را داده باشد. لذا ما در اینجا موكداً از آرش کمانگر می‌خواهیم که یا مأخذی را برای این ادعای خود نشان دهد، تا ما هم با حقیقت آشنا شویم و یا این ادعا را پس بگیرد. در غیر این صورت، این جز یک مغلطه و دروغ مطلق هیچ نیست؛ برخورداردی کاملاً فرصت‌طلبانه و مغرضانه‌ی ضدانقلابی استالینیستی!

قابل تذکر اینکه در این مصاحبه تنها اشاره‌ی تاریخی به نیروهای انقلابی در درون انقلاب اکتبر 1917 و اشتباهات انجام شده، به تروتسکی شده و

چیزی را به او نسبت داده‌اند که به هیچ وجه صحت ندارد. مثلاً لنین در مورد اشتباهات خودش بعد از انقلاب، در طول جنگ داخلی و نیز بعد از جنگ نوشته و با غمگینی و تأسف آن‌ها را پذیرفته و خود را مسئول دانسته است. در هیچ لحظه‌ای از این برنامه، نه آرش کمانگر و نه حسن حسام به این اشتباهات و وضعیت اتحادیه‌های کارگری بعد از جنگ اشاره نمی‌کنند؛ به پیشنهادات آمده در کنگره دهم اشاره نمی‌کنند؛ یا حتی در مورد تروتسکی به این حقیقت که او در نظریاتش تنها نبود هم اشاره‌ای نمی‌کنند. آرش کمانگر حتی اشاره‌ای به یک نمونه از اختلافات حقیقی مثل اینکه در پایان جنگ در سال‌های بین 1920-21 بر سر ریختن برنامه اقتصادی کامل (به جای نپ) تروتسکی پیشنهادی می‌دهد و لنین رد می‌کند هم اشاره‌ای نمی‌کند، ولی بی‌مورد و ناگهان نسبت کاذبی را به تروتسکی می‌بندد.

ناگفته نماند که آرش کمانگر در مخدوش کردن حقایق حتی نسبت به تاریخ اتفاقات هم دست اندازی می‌کند: در جمله‌ی بالا در مورد تروتسکی می‌گوید: «بعد از پیروزی انقلاب اکتبر...». بعد از پیروزی انقلاب اکتبر 1917 اصلاً بحثی در مورد اتحادیه‌ها صورت نگرفت. که تروتسکی نظری بدهد و مورد مخالفت لنین قرار گیرد. موضوع اتحادیه‌ها و نقش آن‌ها بعد از جنگ داخلی و دوران کمونیزم جنگی مطرح شد که در طول سال‌های 1920-21 و در کنگره‌ی دهم به بحث گذاشته شد.

لذا ما خود را ملزم دیدیم که در این اطلاعیه ادعای او را رد کنیم، مگر اینکه او بتواند مدرک موثقی ارائه دهد. منظور از مدرک موثق یا قابل اعتماد هم ترجمه‌های حزب توده از منابع استالینیستی نیست. منبع باید در سطح بین‌المللی معتبر باشد.

علاوه بر این لازم است اشاره کنیم که بوروکراسی سازماندهی شده به اینگونه عمل می‌کند که عنوان این برنامه «با پرهیز از تخریب و نفی، تنوع تشکل و سازماندهی را در جنبش کارگری برسمیت بشناسم» می‌باشد و مجری برنامه عملاً حقیقت را تخریب و مخدوش می‌کند. این است نمونه‌ای از خطر بوروکراسی که باید از ابتدا آن را جدی گرفت و با آن به مبارزه پرداخت، تا جلوی «تخریب و نفی» در واقعیت گرفته شود.

از آنجائی که این کمیسیون به انقلاب کارگری-سوسیالیستی اعتقاد دارد، مجبور است به مسائل کارگری و خط سیاسی اهمیت ویژه بدهد. این کمیسیون هیچ تعصب خاصی نسبت به شخص تروتسکی ندارد و اشتباهات او را همان طور که خودش هم پذیرفت، می‌پذیرد؛ قبول اشتباهات سرآغاز جلوگیری از تکرار آن‌ها است! آنچه که این کمیسیون بر رویش حساسیت دارد، نظرات کاذب، مغرضانه و نیمه حقیقت و نیمه دروغ است که جریان‌ات استالینیستی که امروزه در خط حزب توده عمل می‌کنند، در هر فرصتی به طور سیستماتیکی بیرون می‌دهند و لحظه‌ای از تخریب اهداف انقلابی نیروهای فعال درون طبقه‌ی کارگر دست نمی‌کشند و این از آن روست که حزب توده به عنوان یک تشکیلات پلیسی جمهوری اسلامی در تمام سازمان‌ها و تشکیلات چپی نفوذ کرده و آن‌ها را به هر گونه‌ی ممکن با خود همسو نموده، حتی در حد خیانت به طبقه‌ی کارگر.

20 اکتبر 2021

28 مهر 1400